



مامان می‌گوید **نه!**
این جواب مرا خیلی **عصبانی** می‌کند.
وقتی عصبانی می‌شوم، دست‌هایم را روی
سینه به هم محکم قفل می‌کنم. طوری
رفتار می‌کنم که گویی هیچ چیز نمی‌شنوم.
و دلم **نمی‌خواهد** حرفی بزنم.





حتی نمی‌خواهم دست‌های مامان
را **حس** کنم که گونه‌ام را نوازش می‌کند.
مامان می‌گوید که من مثل سنگم.
من فکر می‌کنم داخل آن سنگ **زندانی** شده‌ام.
نمی‌توانم جلو خودم را بگیرم.



خیلی بی‌انصافی است!

همیشه می‌گویند نه.

خشم را با تمام وجودم حس می‌کنم،

مثل **شعله‌های آتش** زبانه می‌کشد،

شعله‌هایی که صورتم را سرخ می‌کند.